

بررسی رابطه بین آموزش‌های مهارتی دانشگاهی و اشتغال فارغ‌التحصیلان (مطالعه موردی: دانشکده فنی و حرفه‌ای شهید چمران کرمان)

مرتضی صالحی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بحران، دانشگاه شهید باهنر کرمان

saleh@tvu.ac.ir

حسن صفرنیا، دانشیار گروه آموزشی مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان

محمدعلی فرقانی، استادیار گروه آموزشی مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان

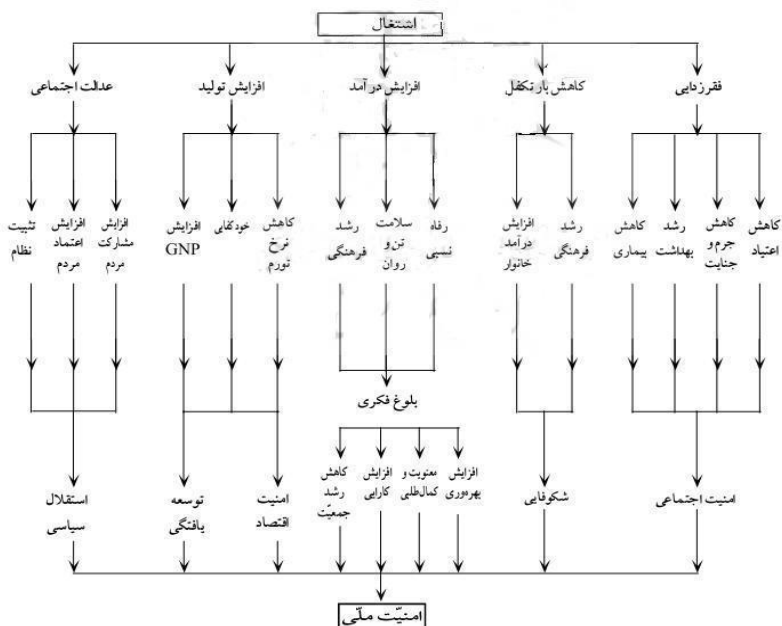
چکیده - سابقه طولانی بحث در مورد بحران بیکاری و همچنین حجم عظیم پژوهش‌های علمی، در چند دهه اخیر، نشان دهنده اهمیت موضوع بحران بیکاری می‌باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان آموزش‌های مهارتی دانشگاهی با اشتغال فارغ‌التحصیلان می‌باشد. از سوی دیگر، تاکنون پژوهشی در این مورد در شهر کرمان انجام نشده است، که این امر نیز بر اهمیت انجام این تحقیق افزود. روش استفاده شده در تحقیق حاضر توصیفی - پیمایشی است. جهت رسیدن به اهداف پژوهش در ابتدا تئوری‌ها و تحقیقات انجام شده در این زمینه مورد بررسی قرار گرفتند، سپس داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شدند. لازم به ذکر است که جامعه آماری پژوهش حاضر فارغ‌التحصیلان سال‌های ۹۱، ۹۲ و ۹۳ دانشکده فنی و حرفه‌ای شهید چمران کرمان می‌باشد، و حجم نمونه مورد بررسی ۳۷۶ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی در انتخاب نمونه بکار رفته است. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری متفاوت، از جمله: همبستگی و رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که؛ میان آموزش‌های مهارتی و اشتغال فارغ‌التحصیلان رابطه متوسط و معنی‌داری وجود دارد. همچنین با استفاده از معادله رگرسیون مشخص شد که متغیرهای پژوهش حدود ۲۹ درصد از واریانس را تبیین کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، فارغ‌التحصیلان، بحران بیکاری، کرمان.

مقدمه

بیکاری از بحران‌هایی است که تقریباً گریبان‌گیر تمامی جوامع بشری است. بیکاری یکی از مؤلفه‌هایی خطر ساز برای امنیت کشورها می‌باشد، بیکاری دارای چهره‌های مختلف پیدا و پنهان است، و آثار متفاوتی در معادلات سیاسی کشورها دارد. دامنه بحران بیکاری در جامعه ما نیز به قدری جدی شده که باعث دغدغه فکری خانواده‌ها و مسئولین کشور شده است.

نمودار ۱: اهمیت موضوع اشتغال (عدم بیکاری)



منبع: (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۹۶)

امروزه چالش‌های مربوط به اشتغال یا در واقع موضوع کار و بیکاری نه تنها یکی از مهمترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می‌رود، بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن را مهمترین چالش اجتماعی چند دهه آینده به حساب آورد. به منظور افزایش توانمندی و سطح ارتقای علمی این نسل جوان و ایجاد وقفه‌ای موقتی جهت حل معضل بیکاری، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و پذیرش دانشجویان در دستور کار قرار گرفت که از یک سو به صورتی کوتاه مدت، مسئله اشتغال جوانان کمرنگ شد و این نیروی عظیم جوان در دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل شدند و از سویی بعد از گذشت چندین سال، کشورمان شاهد تعداد بالای جوانان تحصیلکرده با توقعات بالا جهت اشتغال در فرصت‌های شغلی متناسب با شأن علمی خود شده است.

در حال حاضر بین نظام آموزشی و بازار کار کشور به لحاظ کیفی و کمی ارتباط منطقی وجود ندارد. در ایران عدم ارتباط نزدیک بین دانشگاه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه باعث شده که بین ظرفیت پذیرش دانشجو و تقاضای بازار به نیروی متخصص تناسب وجود نداشته باشد، در ممالک پیشرفته هر چه سطح آموزش افراد بالا می‌رود، میزان بیکاری نیز کاهش می‌یابد، اما این روند معکوس،

در ایران به رابطه مستقیم تبدیل شده، به طوری که قریب به نیمی از بیکاران جامعه را فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تشکیل می‌دهند.

براساس نظریه هزینه فرصت از دست رفته، افراد خواه، ناخواه زمان زیادی را صرف آموزش می‌کنند اگر این آموزش به هر دلیلی بی‌فایده باشد. فرد متضرر خواهد شد (عمادزاده، ۱۳۷۳).

بنابراین، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر از این جهت قابل توجه است. در این پژوهش سعی شده که میزان تأثیرگذاری آموزش‌های مهارتی دانشگاهی را بر ایجاد اشتغال و کاهش بحران بیکاری در شهر کرمان بررسی شود.

پیشینه پژوهش

لوکا و گابریلا^۱ (۲۰۱۳) معتقدند که بیکاری جوانان در کشورهای اروپایی را نمی‌توان صددرصد به شرایط ناشی از اقتصاد کلان این کشورها دانست بلکه مربوط به سیستم تعلیم و آموزش نیز می‌باشد. نظام آموزشی یک مسیر و راهی است برای افراد جوان جهت آماده شدن برای ورود به بازار کار که در این راه باید نظام آموزشی با بازار کار منطبق باشند و دانش‌آموختگان باید بتوانند از تحصیلات خود که از مدرسه و دانشگاه دریافت کرده‌اند به طور عام و خاص در اشتغال خود از آن بهره‌برداری کنند.

چانگک بینگ^۲ و همکارانش (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «توسعه آموزش عالی در چین و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی» با تحلیل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که جامعه آماری آنان فارغ‌التحصیلان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ می‌باشد نشان دادند که سیاست‌های توسعه آموزش عالی در چین باعث افزایش پذیرش دانشجو و به تبع آن افزایش فارغ‌التحصیلان شده است و این منجر به افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بویژه در مناطق مرکزی چین شده که چانگک و همکارانش پیشنهاد به تشویق فارغ‌التحصیلان برای مهاجرت به مناطق مرزی و کمتر توسعه یافته در جهت کاهش نرخ بیکاری داده‌اند.

کی وین و الیزابت^۳ (۲۰۱۳) در یافته‌های پژوهش خود با عنوان «خلاقیت و بحران: اثر کارگران خلاق بر بیکاری محلی» که در ایالات متحده انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که همانند درجه‌های خلاقیت که با نرخ بیکاری کمتر در ارتباط است، مهارت بالای سرمایه‌های انسانی نیز با کاهش نرخ

1- Luca Refrigeri & Gabriella Aleandri

2- Chunbing Xing, Shi Li, John Whalley

3- Kevin Stolarick, Elizabeth Currid- Halkett

بیکاری رابطه معناداری دارد. ایشان داده‌های خود را با استفاده از دفتر آمار کار، آمار بیکاران را از جولای ۲۰۰۷ تا فوریه سال ۲۰۱۱، در ۳۶۹ منطقه شهری جمع‌آوری کرده‌اند. روبرت پالمرا^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «توسعه مهارت، اشتغال و رشد پایدار در غنا: چالش‌های توسعه پایدار» به بررسی مشکلات و کمبودهای آموزش‌های مهارتی در جهت توسعه پایدار پرداخته است که بیشتر تمرکز خود را بر منطبق نبودن آموزش‌های مهارتی با نیازهای منطقه قرار داده است و پیشنهاد داده است که بهتر است نیازهای منطقه در بخش‌های مختلف از جمله صنعتی، کشاورزی، معادن، منابع زیرزمینی و... شناسایی شوند و براساس آن آموزش‌های مهارتی (فنی و حرفه‌ای) در آن منطقه تعلیم داده شود.

فرضیه‌ها

۱. بین آموزش‌های مهارتی و استخدام رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین آموزش‌های مهارتی و خود اشتغالی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین آموزش‌های مهارتی و مهارت انجام کار رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین آموزش‌های مهارتی و دستیابی به شغل رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین آموزش‌های مهارتی و شغل مرتبط با رشته رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین آموزش‌های مهارتی و مدت زمان بیکاری رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی - پیمایشی است و با تکنیک پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش دارای ۳۳ سؤال، که شامل ۵ سؤال عمومی و ۲۸ سؤال اختصاصی می‌باشد. پرسشنامه‌ای طراحی شده و برای اعتباریابی آن، از اعتبار صوری استفاده شد. مقیاس پاسخگویی به این پرسشنامه طیف پنج درجه‌ای بوده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر فارغ‌التحصیلان سال‌های ۹۱، ۹۲، ۹۳ دانشکده فنی و حرفه‌ای شهید چمران کرمان می‌باشد که براساس آمار اعلامی از طرف واحد فارغ‌التحصیلان دانشکده مذکور جمع کل فارغ‌التحصیلان در حدود ۳۰۰۰ نفر می‌باشد. در تحقیق حاضر با استفاده از فرمول کوکران

1- Robert Palmer

تعداد ۳۷۶ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر روش طبقه‌بندی است.

تعاریف متغیرها

آموزش‌های مهارتی: آموزش‌های مهارتی یعنی مرتبط کردن آموزش با دنیای کار برای بهبود وضعیت اشتغال جوانان و کاهش میزان بیکاری که در این میان مرتبط ساختن هر چه بیشتر آموزش با نیازهای اقتصادی ضروری است (بیت الهی، ۱۳۸۹).

اشتغال: کار و اشتغال به معنای فعالیت‌هایی است که از ثبات و پایداری برخوردار بوده و فرد در یکی از مراکز دولتی و یا شخصی به فعالیت قابل توجه و آبرومندانه‌ای مشغول باشد، به گونه‌ای که از نظر هنجار اجتماعی مورد پذیرش دیگران بوده و فرد در برابر کار خود درآمد و یا حقوقی را نیز دریافت نماید (بیت الهی، ۱۳۸۹). برای اینکه بتوان متغیر اشتغال مورد بررسی قرار دهیم بایستی مؤلفه‌ها و اجزای زیرمجموعه آن را مورد بررسی قرار دهیم که در ادامه آمده‌اند.

استخدام: میزان تأثیر، اهمیت آموزش‌های مهارتی دانشگاهی را در استخدام و موفقیت شغلی از نظر فارغ‌التحصیلان مورد بررسی قرار داده شده است.

خوداشتغالی: میزان تأثیر، اهمیت آموزش‌های مهارتی دانشگاهی را در خوداشتغالی و موفقیت شغلی از نظر فارغ‌التحصیلان مورد بررسی قرار داده شده است.

مهارت انجام کار: اصولاً افراد دارای مهارت و تجربه کاری زودتر جذب بازار کار شده و از امنیت شغلی بالاتری برخوردار خواهند بود.

دستیابی به شغل: معمولاً افراد دارای مهارت و تجربه کاری‌اند، سریعتر از دیگر افراد جامعه در زمانی که فرصت‌های شغلی‌اندکی وجود دارد به شغل دست می‌یابند.

مدت زمان بیکاری: افراد در جستجوی شغل معمولاً دارای بازه‌های زمانی متفاوتی تا رسیدن به اشتغال دارند. هر چه این زمان کوتاه‌تر باشد می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های مهارتی دانشگاهی مؤثر واقع شده‌اند.

شغل مرتبط با رشته: برای اینکه پژوهش ما در مسیر واقعی خود قرار گیرد و از هدف خود دور نشود، از مؤلفه شغل مرتبط با رشته استفاده شده است. اگر رابطه مستقیم آموزش‌های مهارتی دانشگاهی با شغل مرتبط با رشته مستقیم باشد می‌توان نتیجه گرفت که پژوهش ما در مسیر درست قرار دارد.

یافته‌ها

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها: پاسخگویانی که در رشته الکترونیک مشغول به تحصیل بوده‌اند بیشترین درصد (۲۹/۸٪) و پاسخگویانی که در رشته امور اداری مشغول به تحصیل بوده‌اند کمترین درصد (۰/۵٪) از جامعه مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند.

پاسخگویانی که در سال ۱۳۹۳ فارغ‌التحصیل شده‌اند بیشترین درصد (۳۸/۷٪) و پاسخگویانی که در سال ۱۳۹۲ فارغ‌التحصیل شده‌اند کمترین درصد (۳۰/۴٪) از جامعه مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که ۴ نفر از پاسخگویان به پرسش حاضر پاسخ نداده‌اند.

پاسخگویانی که مدرک تحصیلی شان کاردانی است بیشترین درصد (۶۵٪) و پاسخگویانی که مدرک تحصیلی شان کارشناسی است کمترین درصد (۳۵٪) از جامعه مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۲ نفر از پاسخگویان این سؤال را بی پاسخ گذاشته‌اند.

بیشترین درصد (۳۹/۶٪) مربوط به ۱۸-۱۲ ماه بیکاری می‌باشد و کمترین درصد (۷/۱٪) مربوط به بیش از ۲۴ ماه از جامعه مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۱۵۱ نفر از پاسخگویان این سؤال را بی پاسخ گذاشته‌اند، دلیل بی پاسخی زیاد این است که برخی از پاسخگویان هنوز مشغول به تحصیل بوده‌اند و یا در حال انجام خدمت سربازی می‌باشند.

جدول شماره ۱ نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته اشتغال است. با توجه به آماره‌های جدول تمامی فرضیه‌های مورد بررسی تأیید شده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود که آموزش‌های مهارتی با مدت زمان بیکاری دارای رابطه منفی است. از سوی دیگر بالاترین ضریب همبستگی نیز به رابطه آموزش‌های مهارتی و اشتغال تعلق داشته است.

جدول شماره ۱. آزمون همبستگی بین متغیرها

| آموزش‌های مهارتی | | متغیر مستقل |
|------------------|----------------------|-------------------|
| سطح معنی داری | میزان همبستگی پیرسون | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۳۲ | استخدام |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۵۵ | خود اشتغالی |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴۷ | مهارت انجام کار |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۸۸ | دستیابی به شغل |
| ۰/۰۱۷ | ۰/۱۲۴ | شغل مرتبط با رشته |
| ۰/۰۴۶ | -۰/۱۳۳ | مدت زمان بیکاری |

به طور خلاصه نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که واریانس متغیر وابسته با توجه به متغیر مستقل وارد شده و با توجه به ضریب تعیین، R^2 ، حدود ۲۹/۲ درصد از واریانس و وضعیت اشتغال پاسخگویان را تبیین کرده است.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن نتایج میان آموزش‌های مهارتی و استخدام همبستگی وجود دارد جهت رابطه بین دو متغیر (آموزش‌های مهارتی دانشگاهی و استخدام) یاد شده مثبت است، یعنی با افزایش آموزش‌های مهارتی، استخدام افزایش می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های مهارتی در استخدام فارغ‌التحصیلان بسیار مؤثر بوده است.

همچنین همبستگی مثبت میان آموزش‌های مهارتی و خود اشتغالی وجود دارد. این رابطه از تحلیل نظر پاسخگویان (فارغ‌التحصیلان دانشکده شهید چمران) بدست آمده است. یکی از راه‌های کم هزینه و خوب در جهت اشتغالزایی، ایجاد شغل توسط افراد (خوداشتغالی) می‌باشد. پس بایستی سیاستمداران ما در بحث اشتغال به این موضوع توجه وافر داشته و سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند.

یکی از مؤلفه‌هایی که در بحث اشتغال‌زایی مؤثر است مهارت انجام کار افراد می‌باشد. همانطور که در جدول ۱. مشاهده می‌کنیم آموزش‌های مهارتی با مهارت انجام کار فارغ‌التحصیلان رابطه معناداری دارد که این رابطه در جهت مثبت می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که هر چه آموزش‌های مهارتی در دانشگاه‌ها افزایش یابد مهارت انجام کار آنان افزایش یافته و به تبع آن جذب اینگونه فارغ‌التحصیلان در بازار کار راحت‌تر و سریعتر خواهد بود.

با توجه جدول شماره ۱ می‌توان نتیجه گرفت که بین آموزش‌های مهارتی و دستیابی به شغل همبستگی معناداری و در جهت مثبت وجود دارد. اما این همبستگی در سطح ضعیفی قرار دارد. این رابطه نشان دهنده این است افراد ماهر امکان جابجایی و یا تعویض کارفرمای خود را در بازار کار در حد مقبول ندارند. اما دلیل این موضوع را باید بیشتر بررسی گردد. ممکن است دلیلی همچون کم بودن فرصت‌های شغلی در بازار کار مطرح باشد.

همبستگی بین آموزش‌های مهارتی با شغل مرتبط با رشته وجود دارد و این نشان دهنده این است که تا حدی در جهت بررسی هدف اصلی قرار داریم که برای اینکه این سطح همبستگی در سطح قوی‌تری قرار گیرد نیاز به پژوهش‌های بیشتری می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده مرتبط با این موضوع سؤالی به سؤالات زمینه‌ای افزوده شود با محتوای اینکه افراد شاغل میزان ارتباط رشته شغلی خود را با رشته تحصیلی بیان کنند.

بهرتر است اشاره‌ای به پاسخ جامعه نسبت به فاصله زمانی بین فارغ‌التحصیلی و اشتغال داشته باشیم؛ بیشترین فراوانی مربوط به فاصله زمانی ۱۲ تا ۱۸ ماه، رتبه دوم مربوط به ۱ تا ۶ ماه، رتبه سوم مربوط به ۶ تا ۱۲ ماه و کمترین فراوانی مربوط به ۱۸ تا ۲۴ ماه می‌باشد. با در نظر گرفتن وضعیت حال حاضر پاسخگویان، که اکثریت پاسخگویان (۲۵/۷٪) محصل و همچنین ۱۵٪ از پاسخگویان مشمول و یا در حال انجام خدمت نظام وظیفه، در مجموع ۴۰/۷٪ پاسخگویان را شامل می‌شود، نشانگر این است اکثریت افراد که از نظر خود بیکار محسوب می‌شوند در این طیف قرار دارند. با توجه این داده‌ها و همچنین بررسی فرضیه «بین آموزش‌های مهارتی دانشگاهی و مدت زمان بیکاری رابطه معناداری وجود دارد» که مرتبط با این مطلب است می‌توان نتیجه گرفت که با تقویت دانشگاه‌های مهارتی و همچنین ارائه این آموزش‌ها در سطح دیگر دانشگاه‌ها و تشویق داوطلبان، می‌توان فاصله زمانی بین فارغ‌التحصیلی و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه را کاهش داد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین آموزش‌های مهارتی دانشگاهی و اشتغال فارغ‌التحصیلان بود با توجه به مؤلفه‌های اشتغال ۶ فرضیه فرعی طرح گردید که نتایج پژوهش بیانگر رابطه معناداری این شش فرضیه می‌باشد. در نهایت با توجه به نتایج بدست آمده از شش فرضیه، می‌توان نتیجه گرفت که بین آموزش‌های مهارتی دانشگاهی و اشتغال فارغ‌التحصیلان رابطه معناداری در حد متوسط وجود دارد. این نتیجه با نتیجه پژوهش کی وین و الیزابت^۱ (۲۰۱۳) همسو می‌باشد.

مقایسه نتایج پژوهش با بیانات مسئولین دانشگاه فنی و حرفه‌ای

به گفته رییس دانشگاه فنی و حرفه‌ای (شفیعی، ۱۳۹۴) تقریباً ۸۰ درصد فارغ‌التحصیلان این دانشگاه وارد بازار کار می‌شوند. یافته‌های این تحقیق این موضوع را تا حدی تأیید کرده اما بایستی توجه داشت که مشمولین نظام وظیفه و محصلین (فارغ‌التحصیلانی که ادامه تحصیل می‌دهند) را باید بر اساس تعریف سازمان آمار ایران شاغل محسوب کرد.

پیشنهادات

به دلیل هزینه‌بر بودن این آمارگیری و با توجه به فاصله زمانی فارغ‌التحصیلی جامعه آماری این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که امثال این پژوهش را در سطح دانشگاه و با توجه به فاصله زمانی فارغ‌التحصیلی جامعه آماری (بهرتر است زمانی را در نظر بگیریم که افراد خدمت نظام وظیفه خود را

1- Kevin Stolarick, Elizabeth Currid- Halkett

انجام داده باشند یا به عبارتی بیش از دو سال از فارغ‌التحصیلی آنان گذشته باشد) انجام شود تا نتایج بهتری بدست آید.

متأسفانه هنوز نگاه بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاه، نگاه اشتغال در دستگاه‌های دولتی و استخدام‌های رسمی می‌باشد. با توجه به مزیت خوداشتغالی می‌توان با ارائه آموزش‌های مهارتی در دانشگاه‌ها و ترویج فرهنگ خوداشتغالی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها تا حدی از مشکلات بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها کاست. با تقویت دانشگاه‌های مهارتی و همچنین ارائه آموزش‌های مهارتی در سطح دیگر دانشگاه‌ها و تشویق داوطلبان به فراگیری این آموزش‌ها می‌توان فاصله زمانی بین فارغ‌التحصیلی و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را کم کرد.

منابع

۱. بیت‌الهی، مهناز (۱۳۸۹) «نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (غیررسمی) و تأثیر آن در ایجاد اشتغال در شهر زرنند (استان کرمان) در سال ۸۸» پایان‌نامه دانشجویی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
۲. رحیمی، حسین (۱۳۷۹) «بحران بیکاری و امنیت ملی در ایران دهه ۸۰» مجله سیاسی - اقتصادی شماره ۱۶۰-۱۵۹
۳. شفیعی، مسعود (۱۳۹۴) «شاغل شدن ۷۰ درصد فنی حرفه‌ای‌ها / ارائه آموزش مهارتی به لیسانسه‌ها» بخش اخبار و اطلاعات سایت دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور
۴. عمادزاده، مصطفی (۱۳۷۳) «مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش» تهران، ناشر سیمین
۵. نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۹) «بررسی نارسایی‌های ارتباط نظام‌های آموزش و پرورش و بازار کار و ارائه راه‌حل‌های اصلاح» تهران، وزارت آموزش و پرورش
6. Palmer, Robert (2009) "Skills development, employment and sustained growth in Ghana: sustainability challenges" *International Journal of Development* 29 (2009) 133- 139
7. Luca Refrigeria, Gabriella Aleandri (2013) "Educational policies and youth unemployment" *Procedia- Social and Behavioral Sciences* 93 (2013) 1263-1268
8. Kevin Stolarick, Elizabeth Currid- Halkett; (2013) "Creativity and the crisis: The impact of creative Workers on regional unemployment" *International Journal of Cities*, journal home page: www.Elsevier.com/locate/cities
9. Li, Shi; Whalley, John; Xing, Chunbing (2014) "China's higher education expansion and unemployment of college graduates" *China Economic Review* 30 (2014) 567 – 582